

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

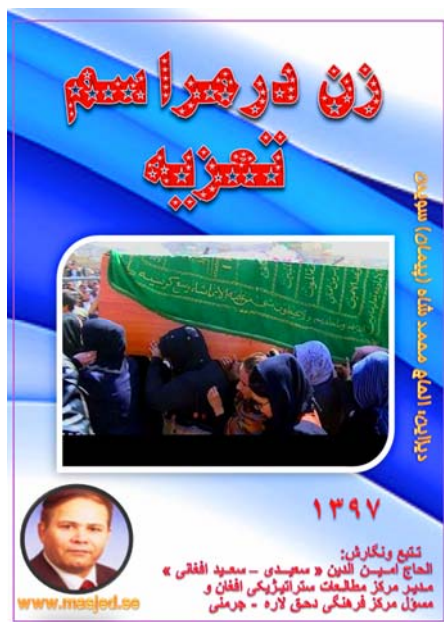
Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی-سعیدافغانی
۲۲ دسمبر ۲۰۱۸

بسم الله الرحمن الرحيم

زن در مراسم تعزیه



جنازه کلمه عربی است که به کسر جیم به معنای مرده و به فتح جیم به معنای تختی که مرده را به وسیله آن برمی دارند یا عکس آن باشد یا بالکسر تخت با مرده و هر که او را مشایعت کند. (منتهی الارب) (اقرب الموارد) و در تعریف طبی و حقوقی ، جنازه به جسد مرده انسان اطلاق گردیده است .

نماز جنازه فرض کفائی است. فرض کفائی بدین معنی که ادای جنازه در مرحله اول بر همه مسلمانان واجب است اما اگر شخص یا اشخاصی از مسلمانان آن را به جا آورند از ذمت دیگران ساقط می گردد.

سنت است که، هنگام خواندن نماز جنازه، امام برای مرد در قسمت سر و برای زن در وسط جنازه ایستاده شود.

همچنان سنت است که امام در پیش روی مقتدی ها ایستاده شود، ولی اگر محل جنازه ضیق و کوچک باشد ، مقتدیان می توانند در کنار امام هم ایستاده شوند.

هدف نمازه جنازه:

هدف نمازه جنازه خاص به خاطر دعا برای میت بر پا می گردد. در حدیثی از ابو هریره (رضی الله عنه) روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: « **إِذَا صَلَّيْتُمْ عَلَيَّ الْمَيِّتِ فَاخْلُصُوا لَهُ الدَّعَاءَ** » (ابو داوود ، کتاب الجنائز ، باب الدعاء للمیت شماره : ۳۱۹۹) (زمانی که بر میت نماز برپا داشتید (یعنی دعا کردید) خالصانه برایش دعا کنید .) مسلمانان نه تنها برای میت صرف دعا به عمل آرند بلکه وجیبه شرعی مسلمانان است که میت را به نام نیک یاد نمایند و بر شخصیت و متدین بودن وی شهادت دهند:

در حدیثی که از امیر المؤمنین عمر (رض) روایت گردیده آمده است: «أَيُّمَا مُسْلِمٍ شَهِدَ لَهُ أَنْ بَعَثَ بِخَيْرٍ، أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ». فَقُلْنَا وَثَلَاثَةٌ؟ قَالَ: «وَتِلْكَ». فَقُلْنَا: وَاتْنَانِ؟ قَالَ: «وَاتْنَانِ». ثُمَّ لَمْ نَسْأَلْهُ عَنِ الْوَاحِدِ». (صحيح البخارى (ج ۲ ص ۹۷ حديث شماره : ۱۳۶۸) (خداوند هر میت مسلمانی را که چهار نفر به خوب بودنش شهادت دهند، وارد بهشت خواهد کرد. عمر(رض) می‌گوید: پرسیدیم: اگر سه نفر شهادت دهند، چطور است؟ رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «اگر سه نفر شهادت دهند نیز چنین خواهد بود». دوباره پرسیدیم: اگر دو نفر شهادت دهند؟ آنحضرت صلى الله عليه وسلم فرمود: اگر دو نفر شهادت نیز چنین می‌شود». درباره شهادت دادن یک نفر ، سؤال نکردیم».

قیام شروط نماز جنازه:

شروط نماز جنازه عبارت است از:

- ۱- مسلمان بودن مُرده .
- ۲ - پاک بودن مُرده که قبل از دادن غسل، نماز جنازه مُرده صحت ندارد. (شهید البته از این حکم مستثنی است.)
- ۳- پیش روی امام قرار داشتن مُرده . اگر مُرده پشت سر بود نماز جنازه آن درست نیست.
- ۴- حاضر بودن مُرده است .
- ۵- قرار داشتن مُرده بر زمین ، اگر مُرده بالای شانه های مردم و یا بالای چیز دیگر بار بود نماز آن درست نیست و اما شروطی که تعلق به نماز گزار دارد، همان شرط های نماز اند از قبیل نیت، طهارت، ستر عورت و غیره.

یادداشت شرعی:

برای ادای نماز جنازه حاضر بودن میت لازم است، ولی اگر احياناً، مرده بدون نماز جنازه دفن شده باشد، در این صورت تا سپری شدن وقت محدودی بر روی قبرش نیز می توان نماز جنازه را اداء نمود. زیرا رسول الله صلى الله عليه وسلم این عمل را انجام داده اند. (امام بخاری و امام مسلم (رحمهما الله) آورده‌اند که: مردی درگذشت (و او را دفن کردند) رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «فَدَلُونِي عَلَى قَبْرِهِ، فَأَتِي قَبْرَهُ فَصَلِّ عَلَيْهِ». (قبر او را به من نشا دهید، سپس به نزد قبر رفت و بر آن مرد نماز خواند). و بیشتر از يك ماه دیگر جایز نمی‌باشد بدین علت که در حدیث یا اثری نیامده است که رسول الله صلى الله عليه وسلم بعد از يك ماه از دفن میت بر وی نماز جنازه خوانده باشد. (صحيح البخاري جلد ۲ صفحه ۸۹ شماره حديث: ۱۳۳۷)

ترتیب نماز جنازه :

قبل از همه باید گفت که نماز جنازه رکوع ، سجده و تشهد ندارد و تنها، چهار تکبیر با تکبیر تحریمه و چند ذکر و دعاست.

طوری که در فوق هم تذکر دادیم امام در برابر سینه مرده ایستاده می شود و نمازگزاران صفوف را برابر می کنند، بهتر است صفها سه، پنج و یا هفت باشد یعنی طاق باشد. اگر از هفت تجاوز کرد ضرورت به جفت و یا طاق بودن صف ها نیست .

امام به جهر ومقتدی ها به خفیه تکبیرتحریمه « الله اکبر » می گویند دستها را تا شانه ها و یا نرمی گوشها بلند می کنند ودست ها را طوری که در نماز بسته می کردند آن را بسته کنند وامام ومقتدی «سبحانك اللهم » را تا اخیر می خواند، بعداً امام به جهر ومقتدی به آهستگی تکبیر می گویند در حالی که دستها را بلند نمی کنند درود شریف را می

خوانند ، بعد از آن امام به جهر و مقتدی به آهستگی تکبیر می گویند که برای مرد بالغ و زن بالغ این دعا را می خوانند: « عن أبي هريرة، قال: كان رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا صلى على الجنائز، قال: " اللهم اغفر لحينا وميتنا، وشاهدنا وغائبنا، وصغيرنا وكبيرنا، وذكرنا وأثنا، اللهم من أحببته منا فأحبهه على الإسلام، ومن توفيته منا فتوفه على الإيمان»

(مسند احمد جلد ۳ صفحه ۳۳۴) شماره حدیث (۱۰۲۴)

(بار خدایا زنده و مرده ما را و حاضر و غائب ما را و کوچک ما را و مرد وزن ما را بیامرز. بار خدایا هر که را زنده نموده ای از ما پس زنده نگهدار او را بر اسلام و هر که را از ما میرانده ای پس او را بر ایمان بمیران.)
و اگر مرده طفل صغیر باشد این دعا خوانده میشود:

« اللهم اجعله لنا فرطاً واجعله لنا اجراً ونحراً واجعله لنا شافعاً وشفعاً » (بار خدا او را برای ما توشه آخرت بگردان توشه از پیش فرستاده شده و او را برای ما اجر و ذخیره گردان ، او را برای ما شفیع و مقبول الشفاعة بگردان .)
عن الثوري، عن يونس، عن الحسن، أنه كان إذا صلى على الطفل قال: «اللهم اجعله لنا فرطاً، واجعله لنا أجراً» (مصنف عبدالرزاق (ج ۳ ص ۵۲۹) شماره حدیث: (۴۵۸۸)
و اگر مرده دختر صغیره باشد این دعا خوانده میشود:

« اللهم اجعلها لنا فرطاً واجعلها لنا اجراً ونحراً واجعلها لنا شافعة وشفعة »

بعد از آن امام به جهر و مقتدیان به آهستگی تکبیر می گویند و مرده را چهار نفری توسط چارپایی بر می دارند و در راه در حالی که سرش طرف پیش باشد کمی تیز تر طرف قبر می برند. لازم است مردم عقب جنازه بروند .
مرده را بدون ضرورت به حیوان بارکردن و یا او را دو نفر برداشتن مکروه است و طریقه برداشتن طفل شیر خوار یا کمی بزرگتر از آن به این طور بوده که یک نفر، آن را بر می دارد که سرش به طرف دست راست حمل کننده و بردارنده باشد.

تعزیه و همدردی:

تعزیه لغت عربی بوده و از لحاظ لغوی به معنای اظهار همدردی، سوگواری و تسلیت به ورثه و دوستان متوفی است. به عبارت دیگر تعزیت، عزاداری کردن تسلیت دادن برای بازماندگان متوفا و گفتن تسلیت به ایشان .
تعزیت برای تسکین آلام و دردهای فرد مصیبت دیده و فرونشاندن ترس و هراس فرد و آرام ساختن اندوه و بی قراری وی می باشد.

پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید: « عن عبد الله، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «من عزی مصاباً فله مثل أجره» « یعنی: «آن که مصیبت دیده ای را تعزیت گوید پاداشی به اندازه او برای اوست.» (ترمذی وابن ماجه).
اصطلاح تعزیه در افغانستان به نام « مراسم فاتحه خوانی و یا فاتحه» معروف می باشد که البته توأم با گفتن فاتحه مردانه و زنانه تقسیم می شود.»

همانظوری که گفتیم تعزیت و تسلیت گفتن پس از کفن و دفن میت به همه اعضای خانواده میت خواه بزرگ باشند و یا کوچک عمل مستحب است؛ زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «هر مسلمانی که به هنگام مصیبتی به برادر مسلمان خود تسلیت بگوید، روز قیامت خداوند لباس کرامت را بر تن او می پوشاند.» (اخرجه ابن ماجه)

یادداشت ضروری:

لازم به یادآوری است که به روایت زاد المعاد جلد ۱ صفحه ۵۰۸ ، ترتیب مراسم برای تعزیه و جمع شدن خانواده میت و سایر دوستان میت برای مراسم تعزیه ، تسلیت و یا به اصطلاح مراسم فاتحه و قرانت قرآن عظیم الشان، آنهم توسط چند نفر قاری و در ظرف یک یا دو ساعت، بدعت بوده و هیچ اصلی دردین مقدس اسلام ندارد.» (برای معلوماتی مزید در این بابت مراجعه شود : زاد المعاد جلد ۱ صفحه ۵۰۸).

آداب تعزیت:

تعزیت و همدردی دارای آداب خاصی خود بوده، که بر هر مسلمان لازم است آن را رعایت بدارد:

مشارکت:

به محض این که شخص از مرگ کسی از نزدیکان، همسایگان یا دوستانش خویش اطلاع حاصل نماید، بر او واجب است که به دیدار خانواده و دوستان و آشنایان متوفی برای تعزیت گفتن و شرکت نمودن در تشییع جنازه در صورتی که ممکن باشد خود را برساند . تا مطابق عمل پیامبر صلی الله علیه و سلم عمل نماید که فرموده است: «**حق المسلم على المسلم خمس: رد السلام، و عيادة المريض، و اتباع الجنائز، و اجابة الدعوة، و تشميت العاطس**» یعنی: «حق مسلمان بر مسلمان پنج چیز است: جواب سلام، عیادت مریض، رفتن به دنبال جنازه، قبول کردن دعوت، دعا برای عطسه زنده.» (متفق علیه)

تعزیت بعد از سپری شدن سه روز:

اگر احیاناً شخص بنا بر مصروفیت ها و یا سایر مشکلات، نتواند در اولین ساعات خود را برای اشتراک در نماز جنازه و تسلیت گفتن برای بازماندگان متوفی برساند، کوشش به عمل آرد، در صورتی که امکان داشته باشد در مدت سه روز این کار را انجام دهد، و بهتر است شخصاً به نزد فرد و یا خانواده مصیبت دیده رفته و از نزدیک عرض تسلیت تقدیم بدارد.

همچنان در صورت بعد مسافه و یا سایر مشکلات، می تون تسلیت نامه خویش را توسط، تلفون ، و یا سایر وسایل ارتباطی به بازماندگان متوفی برساند.

تهیه غذا:

مستحب است که نزدیکان و دوستان فرد برای خانواده متوفی غذا تهیه بدارند، چرا که مشغول گشتن آنان به مصیبتی که دچار شده اند آن ها را از فراهم نمودن غذا برای مهمانان و کسانی که برای اشتراک فاتحه و مراسم تدفین آمده اند، باز می دارد.

در روایتی آمده است زمانی که : حضرت جعفر بن ابی طالب (رضی الله عنه) به شهادت رسید و پیامبر صلی الله علیه و سلم از شهادت موصوف اطلاع حاصل کرد، به منزل جعفر تشریف برد و فرزندان خردسالش را گرد آورد و آنان را بوسید.

اسماء همسر جعفر بن ابی طالب پرسید: یا رسول الله، آیا خبری از جعفر به شما رسیده است؟ فرمود: بلی . امروز کشته شد. اسماء شروع به گریستن نمود و پیامبر صلی الله علیه و سلم او را آرام ساخت و به منزل خویش بازگشت و فرمود:

« اصنعوا لآل جعفر طعامًا، فإنه قد جاءهم ما يشغلهم» یعنی: «برای خانواده جعفر غذا تهیه دارید، که برایشان حادثه ای پیش آمده که مشغولشان ساخته است.» (ترمذی) یادداشت:

اگر احیانا انسان برای دیداری کوتاه و گفتن تعزیت به منزل خانواده مصیبت دیده برود، مشکلی و ممانعتی در دین اسلام وجود ندارد.

ولی کوشش به عمل آرد که از صحبت های بیهوده و بحث های بی مورد که از موضوع و آداب محفل خارج باشد، باید جداً اجتناب صورت گیرد، در همچو مجالس باید صحبت ها در باره صبر، تسلیت، شکیبانی و مطالب مانند آن منحصر گردد.

الفاظ تسلیت و تعزیه :

الفاظی که باید به شخصی و یا خانواده شخص غم دیده و سوگوار گفته شود عبارت است از: «البقاء لله» یعنی: «تنها خداست که می ماند.»

و یا: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ - اللَّهُمَّ أَجْرُنِي فِي مُصِيبَتِي وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا». (ما از آن خدانیم و به سوی او بازمی گردیم. پروردگارا! در برابر این مصیبت، به من اجر بده و بهتر از آن را نصیبم فرما). (مسلم)

و یا «إِنَّ لِلَّهِ مَا أَخَذَ، وَلَهُ مَا أُعْطِيَ، وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِأَجَلٍ مُّسَمًّى، فَلْتَصْبِرْ وَلْتَحْتَسِبْ»

یعنی: «آنچه را خداوند گرفت از آن خودش بود و آنچه داده است مال خود اوست. مسلماً هر چیزی نزد او دارای تقدیری است، لذا باید صبر کرد و امید به ثواب داشت.» (بخاری و مسلم)

یا این دعا را بخواند:

«أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَكَ، وَأَحْسَنَ عَزَاكَ وَغَفَرَ لِمَيْتِكَ.» «خداوند پاداش تان را زیاد نماید و عزایت را نیکو بگرداند و مرده ات را مورد مغفرت قرار دهد.»

و در کشور ما معمول که برای شخصی و یا خانواده ای که برایشان فاجعه داده می شود گفته شود :

پروردگارشما را دیگر از غم نگاه کند ، این غم ، غم اخیر شما باشد ، اولاد و خانواده شما را الله تعالی زنده داشته باشد ، متوفی را پروردگار غریق رحمت سازد ، قبرشان را الله روضه جنت ساخته، جنت برین نصیبش گردد، ما خود را در این غم شریک می دانیم، برای شما و اعضای خانواده شما صبر جمیل تمنا داریم.

الفاظ جوابیه دعاء:

فرد مصیبت دیده باید درمقابل آمین گفته و به فرد تعزیه کننده می گوید: «أَجْرَكَ اللهُ» یعنی: «الله برای این عملت پاداشت دهد.» از ابراز تسلیت شما سپاسگزار هستیم ، و خداند شما را هم از غم نگاه کند ، و غیره ...

زن در مراسم تعزیه :

حکم شرعی برای زنان در اشتراک در مراسم تعزیه همین است که : زنان در صورتی که زینت خود را آشکار نسازند و رفتارهای خلاف شرع؛ مانند چاک نمودن پیراهن، خراشیدن وسیلی زدن در روی و سر، ناله و زاری با صدای بلند، از آنان دیده نشود، می توانند در مراسم تعزیه اشتراک نمایند.

بلا تأخیر قابل گفتن می دانیم که در صورتی که اعمال مشابه از مرد ها هم سر بزند، این اعمال تخلف شرعی پنداشته می شوند و مردان هم باید از این حرکت ها خود را نگاه دارند .

خواهران و مادران محترم نباید فراموش کنند:

که تمام این کارها باعث خشم پروردگار گردیده، و سبب آزار میت در قبرش خواهد شد. در حدیثی که ابن عمر و حدیثی که از صحابی جلیل القدر المغیره و سایر محدثین روایت گردیده و این احادیث در صحیح مسلم و صحیح بخاری نیز تذکر یافته، آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

« إن الميت يعذب بما يناح عليه » و در روایت امام بخاری آمده: «بیکاء أهله علیه»

« والمراد بالبكاء النياحة وهي رفع الصوت»

ولی ناگفته نماند که صرف گریستن و ریختن اشک که برای انسان در حالات یک حادثه غم انگیز و از جمله فقدان عزیزان و دوستان رخ می دهد، شامل این حکم نمی گردد ولی حکم حدیث در منع، همانا بلند کردن آواز و چیغ زدن و اوپلا جور کردن در وقت گریه و ابراز تأثرات بر مرده است که در زبان عربی به آن «نیاچه» می گویند. رسول الله صلی الله علیه وسلم مسلمان را از نیاچه منع نموده است، ولی صرف ریختن اشک از چشم ممانعتی ندارد و شامل حکم این حدیث نمی باشد.

دین مقدس اسلام مسلمانان را به صبر و استقامت در مصیبت دعوت نموده ولی جاری شدن اشک از چشم شامل این هدایت رسول الله صلی الله علیه وسلم نیست، همانطوری که اشک پیامبر اسلام در وفات فرزندش ابراهیم از چشم مبارک شان جاری شد.

طوری که گفته آمدیم: گریه عادی - بدون شیون، زاری و داد و فریاد - برای میت کراهت ندارد؛ زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم به هنگام فوت فرزندش ابراهیم در حالی که به شدت می گریست و اشک از چشمان مبارکش جاری بود گفت:

« ای ابراهیم ! اگر این مردن تو امر حق و وعده راستین خداوند تعالی و مقدر نمی بود که آخر ما به اول ما ملحق می شوند هر آئینه بیشتر از این بر تو غمگین و اندوهگین می شدم » و بعد از اندک سکوت فرمود: «العین تدمع والقلب يحزن ولا نقول إلا ما يرضى الرب، وإنا بفراقك يا إبراهيم لمحزونون» (چشم اشک می رزد و قلب غمگین می شود و ما جز آن که خدا را خوشنود سازیم چیزی نمی گویم و ما ای ابراهیم ! بر تو شدیداً غمگین هستیم).

زن و تشییع جنازه:

همانطوری که در فوق خدمت خوانندگان محترم بیان گردید، در مورد اشتراک زنان در مراسم تعزیت و به خصوص اشتراک زنان در نماز جنازه هیچ گونه مانع شرعی، دیده نمی شود و حتی در دین اسلام بیان گردیده، در صورتی که زنان در مراسم جنازه حاضر باشند، می توانند نماز جنازه را با مراعات آداب معین که البته در آخر صف بعد از مردها ایستاده شده، بجارند.

در حکم فقهی موضوع اشتراک زنان در نماز جنازه آمده است: جائز است که زنان مانند مردان نماز جنازه را بخوانند چه به صورت انفرادی باشد و یا هم به شکل جماعت.

حضرت عمر (رض) انتظار کشید تا مادر عبدالله نماز جنازه عتبه را خواند و بی بی عایشه امر کرد تا جنازه سعد بن ابی وقاص را بیاورند تا بر وی نماز جنازه بخواند.

امام النووی (رح) می فرماید:

لازم است برای زنان در نماز جنازه جماعت ترتیب شود، نماز جنازه را به جماعت بجآارند مثلی که در نماز های دیگر به جماعت می خوانند و همین نظریه الحسن بن صالح و سفیان ثوری و امام احمد و امامان مذهب حنفی می باشد. در کتاب مشهور فقهی به نام (الفتاوی النسائیه) (فتوا ها برای زنان) آمده است :

زنان مانند مردان اگر در نماز جنازه حاضر شوند، باید نماز جنازه بخوانند و ثوابی که مردان از نماز جنازه می گیرند، زنان نیز همان ثواب را به دست می آورند .

مؤرخان می گویند که مردان و زنان جنازه رسول الله صلی الله علیه وسلم را خواندند. اگر جنازه حاضر شد باید که زنان با مردان نماز آن را بخوانند.

خواننده محترم!

نماز جنازه طوری که در فوق هم یاد آور شدیم، دعای مغفرت برای میت مسلمان می باشد که برای مرد و هم برای زن مسلمان مشروع است البته به این تفاوت که برای مردها فرض کفائی است.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح متفق علیه فرموده است که مسلمانی که نمازه جنازه را اداء کند و در وقت ادای این نماز حضور یابد به اندازه یک کوه ثواب کمائی می کند و مسلمانی که بعد از ادای نماز همراهی جنازه را می کند تا به دفن شدن در مقبره ثواب و اجر به اندازه دو کوه را به دست می آورد: «من شهد الجنازة حتى یصلی علیها فله قیراط، ومن شهدها حتى تدفن فله قیراطان، قیل: یا رسول الله وما القیراطان؟ قال: مثل الجبلین العظیمین».

ولی برخی از فقها با استدلال های فقهی خویش که از شریعت اسلام دارند، طی فتوایی نگاشته اند که: متابعت جنازه و رفتن به مقبره و همراهی کردن میت تا قبرستان خاص برای مردان است در شرع اختصاص داده شده نه برای زنان ، و برای زنان و خانمها همراهی کردن جنازه تا به مقبره و حضور یافتن به خاطر دفن آن لازم نیست بلکه مکروه است .

واستلال خویش را به فحواى این حدیث مبارکه مستدل می نماید: «عَنْ أُمِّ عَطِيَّةَ لِ قَالَتْ: نُهِينَا عَنْ اتِّبَاعِ الْجَنَائِزِ، وَلَمْ يُعْزَمَ عَلَيْنَا». (بخاری حدیث شماره : ۱۲۷۸)

(ام عطیه می فرماید : ما زنان از اشتراک در تشییع جنازه ، نهی شدیم ، ولی این منع ، به مفهوم منع قطعی نبود.)

از لفظ « و لم يُعْزَمَ عَلَيْنَا » چنین استنباط می شود که در حدیث متذکره کلمه حرام نیامده است و تنها از «نهی» سخن به میان آمده است که معنی (بازداشتن) را دارد نه حرام بودن را. زیرا کلمه حرام در شریعت مبارک اسلام معنی بسیار شدید دارد.

واز جانب دیگر « نُهِينَا » به صیغه مجهول است یعنی که فاعل آن معلوم نیست که این نهی را شاید رسول الله صلی الله علیه وسلم نموده باشد و یا هم صحابه رسول الله ، به هر ترتیب از فحواى حدیث طوری معلوم می شود که این نهی از جانب رسول الله صلی الله علیه وسلم نیست .

اما در این هیچ شکی نیست که :

در زمان دوره جاهلیت یعنی قبل از اسلام، زنان کفار در ایام عزاداری به سر و روی خود می زدند؛ بر سر و موی خود خاک می ریختند؛ پیراهن خود را پاره می کردند؛ چیغ می زدند و نوحه سر می دادند. با آمدن دین مقدس اسلام این عادات یکجا با سایر اعمال خرافاتی از جمله دوره جاهلیت پنداشته شد و آن را ممنوع و حرام اعلام نمود.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: آنانی که این اعمال را انجام می دهند از جمله اوشان نیست یعنی از امت اسلام نیستند. در احادیث ریاض الصالحین می خوانیم که نوحه کردن بر مرده از خصال و صفات کفار است (ریاض الصالحین حدیث شماره ۱۶۶۷ از امام زکریا یحیی بن شرف نووی دمشقی).

یکی از جمله دلایلی که زنان را اجازه نمی دهند تا در جنازه اشتراک کنند، اساساً این نیست که اشتراک شان در جنازه نهی شده است، بلکه عاملش این است که زنان از احساسات کار می گیرند و همین اعمال نا روا را متأسفانه انجام می دهند که این بی خبری شان ناشی از بی اطلاعی از اصول شریعت دین مقدس اسلام است ورنه هیچ زن مسلمان آگاهانه مرتکب همچو اعمالی نمی شود.

در ضمن باید یادآور شد که برخی از فقهای ما کلمه «نهی» که در حدیث آمده است آن را به «حرام» تبدیل کرده اند. که این فهم شان قریب به صواب نمی باشد .

ولی با آنهم طوری که گفتیم تعدادی از فقها وحتى برخی از صحابه و تابعین اشتراک زنان را در مراسم تعزیه مکروه دانسته اند، مطابق برخی از روایات می توان از عبد الله بن مسعود، عبد الله ابن عمر، أبو امامه، عائشه، مسروق،

نخعی، اوزاعی، اسحاق.. نام برد

این تعداد از علما می فرمایند که :

در حدیث صحیح ثابت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم روزی مجموعه ای از خانمها را دید که به انتظار جنازه نشسته بودند، به نیت این که جنازه را همراهی کنند رسول الله صلی الله علیه آنها را از این کار منع نمود و برای شان گفت که برگردید با گناه و بدون اجر و ثواب:

« وروی أن النبی صلی الله علیه وسلم خرج فإذا نسوة جلوس قال: «ما یجلسکن؟» قلن: ننتظر الجنّاة قال: «هل تغسلن؟» قلن: لا. قال: «هل تحملن؟» قلن: لا. قال: «هل تدلین فیمن یدلی؟» قلن: لا. قال: «فارجعن مآزورات غیر مأجورات».

سوگواری شرعی زنان:

هر زمانی که یکی از اقارب نزدیک خانواده زن به طور مثال برادر، عمه، مادر، کاکا و... فوت نماید، می تواند تا مدت سه روز از آرایش، استعمال بوی معطر، کشیدن سرمه بر چشم، استعمال حنا و استفاده از زینت آلات و لباس های رنگارنگ خودداری نماید.

ولی هرگاه شوهر زن فوت کند، واجب است برای مدت چهار ماه وده روز سوگواری نماید .

در حدیثی که از ام عطیه روایت گردیده آمده است : « کنا ننهی أن نحد علی میت فوق ثلاث، إلا علی زوجة أربعة أشهر و عشرا، ولانکتل، ولانطیب، و لانیس ثوبا مصبوغا إلا ثوب عصب، و قد رخص لنا عند الطهر إذا اغتسلت إحدانا من محیضها فی نبذة من کست أظفار، و کنا ننهی عن اتباع الجنائز» (متفق علیه.)

«ما نهی می شدیم از این که برای مرده هایمان بیش از سه روز سوگواری کنیم؛ مگر برای فوت شوهر که چهار ماه و ده روز سوگواری می کردیم، از سرمه و بوی خوش استفاده نمی کردیم ولباس رنگارنگ نمی پوشیدیم مگر لباس یمنی، و وقتی که از حیض پاک می شدیم و غسل می کردیم به ما اجازه داده می شد که تکه ای بخور (ماده ای خوشبو) به کار ببریم (تا بوی بد اثر خون را از بین ببرد) و از تشییع جنازه نیز نهی می شدیم».

از ام سلمه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : « المتوفی عنها لاتبس المعصر من الثیاب، ولا الممشق من الحی، ولا تختضب، ولا تکتحل» (صحیح ابوداود ۲۲۸۷) «زنی که شوهرش فوت کرده است باید از پوشیدن لباسهای زرد و سرخ و استفاده از جواهرآلات و حناء و سرمه خودداری کند».

همچنان در حدیثی که از أم حَبِیبَة، رُوح پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت گردیده آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده : « لا یجلّ لامرأة تُؤمّن بالله والیوم الآخر تُحدّ علی میت فوق ثلاث، إلا علی زوجة أربعة أشهر

وَعَشْرًا» (بخاری: ۱۲۸۱) (ام حبیبیه زوجه گرامی پیامبر صلی الله علیه وسلم ، میگوید: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که میفرمود: «هر زن مؤمنی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، مجاز نیست بیش از سه روز، برای کسی سوگوار باشد مگر برای شوهرش، که در آنصورت، می‌تواند چهار ماه و ده روز، به سوگ بنشیند»».

طوری که گفتیم ، زنی که شوهرش فوت کرده است، مدت چهارماه و ده روز سوگواری را در منزل همسری می‌گذارند، اما خانمی که طلاق رجعی داده شده لازم نیست که آن مدت را به عزا بنشیند، اگرچه برخی از علماء آن را برای آن خاتم نیز مستحب می‌دانند.

زنی که شوهرش فوت کرده است، در مدت چهارماه و ده روز عزاداری، برای کارها و مشاغل ضروری روزانه می‌تواند از خانه خویش خارج شود، اما حتماً باید شب‌ها به منزل خود بازگردد. همچنان که گفته شد سوگواری برزنی که شوهرش فوت کرده واجب است .

در مذهب امام ابوحنیفه آن را بر زنان مطلقه که در طلاق باننه صغری و کبری باشند، واجب می‌شمارد. ولی اکثریت فقها آن را مستحب می‌دانند و زنانی که از طریق طلاق «رجعی یا بانن» طلاق داده شده‌اند از نظر امام ابوحنیفه نه شب و نه روز را نباید از منزل خارج شوند، اما پیروان مذهب شافعی می‌گویند تنها در صورتی زن در حال گذرانیدن عده می‌تواند منزل را ترک کند که ضرورتی وجود داشته باشد.

یادداشت فقهی:

زن سوگوار و در حال عده برای شوهر، از استعمال آلات زینت، استعمال بوی خوش، حنا، لباس‌های رنگارنگ و بیرون رفتن غیرضروری مانند: شهادت در محکمه یا معالجه مریضان، رفتن به دیدار اقوام، رفتن به حظیره و قبرستان، خودداری کند.

اعمال حرام و نامشروع در مراسم تعزیه :

در حین وفات عزیزان و به خصوص در حین مراسم تشییع جنازه و مراسم تسلیت و تعزیه برخی از اعمال خود آگاه و یا ناخود آگاه از انسان سر می‌زند که جداً حرام و نامشروع می‌باشد و انسان گنهکار هم می‌گردد. یکی از این اعمال طوری که یاد آور شدیم:

چیغ و اوویلا بر جنازه است:

چیغ زدن و اوویلا و به اصطلاح نوحه خوانی بر جنازه ، عبارت از : بلند کردن صدا به آه و ناله، پاره کردن لباس، سیلی زدن به سر و روی، کندن موی سر، خراشیدن و خون کردن سر و صورت، و خاک انداختن بر سر و روی ، به خاطر زاری گریان و اوویلا بر میت، این فریادها و اوویلا سردادن و امثال این گفتارها و کردارها که از انسان سر داده می‌شود، به معنای نشان دادن اعتراض و عدم صبر و تحمل نسبت به قضاء و قدر الهی می‌باشد. همه این اعمال و یا عمل از فهم شرع دین مبین اسلام حرام، گناه کبیره و گناه بزرگی بوده و رسول الله صلی الله علیه وسلم از آن به طور جدی ممانعت به عمل آورده است و حتی فرموده است که همچو اشخاص از جمله امت من نمی‌باشد، طوری که می‌فرماید: « لیس منا من لطم الخدود، و شق الجيوب، و دعا بدعوی الجاهلیة» . «کسی که روی خویش به سیلی می‌زند، و یخن خود را پاره می‌کند و ناله و فریاد جاهلیت را سر دهد، از امت من نیست».

همچنین در کتاب صحیحین آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«بريء من الصالفة والحالفة والشاقفة». «این سه گروه از من جدا هستند، یک کسی که در هنگام مصیبت صدایش را بلند می‌کند، دوم کسی را که موی سرش را به خاطر مصیبت می‌کند و سوم کسی که در هنگام مصیبت لباسش را پاره می‌کند».

و در صحیح مسلم آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم: «لعن النائحة والمستمعة». (زنان نوحه‌گر و همچنین آن زنانی را که از شنیدن نوحه‌سرانی احساس شگفتی می‌کنند، نفرین فرموده است).

پس ای خواهر مسلمان!

بر شما واجب است تا به پیروی از حکم پیامبر صلی الله علیه وسلم از این عمل حرام در وقت مصیبت خود داری نمائید. در مقابل ای خواهر مؤمن بر شما واجب است که در هنگام مصیبت صبر نمائی و به الله پناه بریم؛ تا مصیبت و عزای تو برایت تبدیل به بخشش گناهات شود و همچنین موجب ازدیاد نیکی‌هایتان گردد.

پروردگار با عظمت ما با زیبایی زاید الوصف می‌فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» (سوره البقره: ۱۵۵-۱۵۷).

«قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و نقص در مالها و نفس‌ها و میوه‌ها، امتحان می‌کنیم؛ و بشارت ده به استقامت‌کنندگان! آنها که هر گاه مصیبتی به ایشان می‌رسد، می‌گویند: «ما از آن خدانیم؛ و به سوی او باز می‌گردیم!» اینها، همانها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده؛ و آنها هستند هدایت‌یافتگان!».

واقعاً چه زیبا است صبر در وقت مصیبت که انسان آن را پیشه خود سازد.

ولی در این هیچ جای شک نیست و چنانچه گفته آمدیم که گریه کردن بدون چیغ و اوپلا و بدون انجام کارهای حرام و بدون انجام کارهای خلاف شرع اسلامی، جایز است و انسان نباید از قضاء و قدر الهی خشمگین، و یا در صورت این خشم و غضب هم منکر دین شده و صحبت‌های غیر شرعی بر قلب و پرزبان خویش جاری سازد.

خواننده محترم! گریه کردن نوعی رحم و رقت قلب نسبت به میت است و چیزی است که نمی‌توان از آن در چنین مواقعی جلوگیری کرد، به همین دلیل مباح است و گاهی اوقات هم مستحب می‌شود. (برای معلومات مزید در این باب مراجعه شود به کتاب تنبیهاات علی احکام تختص بالمؤمنات، شیخ دکتر صالح بن فوزان)

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

۱- «أَرْبَعٌ فِي أُمَّتِي مِنْ أَمْرِ الْجَاهِلِيَّةِ لَا يَزُكُونَهُنَّ الْفَخْرُ فِي الْأَحْسَابِ وَالطَّعْنُ فِي الْأَنْسَابِ وَالْأَسْتِسْقَاءُ بِالْجُورِ وَالنِّيَابَحَةُ وَقَالَ النَّائِحَةُ إِذَا لَمْ تَنْبُ قَبْلَ مَوْتِهَا تُقَامَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَعَلَيْهَا سِرْبَالٌ مِنْ قَطْرَانٍ وَدِرْعٌ مِنْ جَرَبٍ». (چهار خصلت در امت من وجود دارد که آن‌ها را ترک نمی‌کنند در حالی که آن‌ها از خصلت‌های جاهلیت‌اند:

۱- افتخار بر حسب و نسب خویش

۲- طعنه زدن بر نسب دیگران

۳- طلب باران از ستارگان

۴- نوحه خواندن.

و در این مورد فرمود: نوحه خوان اگر توبه نکند، روز قیامت در حالی حشر می‌شود که پیراهن و تنبان از قیر بر تن او خواهد بود.

۲- «أَنْتَنَانٌ فِي النَّاسِ هُمَا بِهِمْ كُفْرُ الطَّعْنِ فِي النَّسَبِ وَالنِّيَابَحَةُ عَلَى الْأُمَّتِ». (دو خصلت در میان مردم است که موجب کفراند: طعنه زدن بر نسب دیگران و نوحه خواندن بر میت).

۳- هنگامی که ابراهیم؛ فرزند رسول الله صلی الله علیه وسلم فوت کرد، اسامه بن زید جیغ می زد. رسول الله علیه وسلم فرمود: این کار شیوه من و دستور من نیست، فریاد کشیدن کار درستی نیست. البته دل غمگین می شود، چشم اشک می ریزد، ولی کاری که موجب خشم و غضب پروردگار گردد انجام نگیرد.

۴- ام عطیه می گوید:

رسول الله صلی الله علیه وسلم هنگام بیعت، از ما تعهد گرفت که نوحه نخوانیم. به جز پنج نفر از ما (بیعت کنندگان) کسی دیگر به این عهد، وفا نکرد. آن پنج نفر عبارتند از: ام سلیم، ام العلاء، دختر ابی سبره، و همسر معاذ

۵- انس بن مالک می گوید:

«أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ لَمَّا طَعَنَ عَوَّلَتْ عَلَيْهِ حَفْصَةَ فَقَالَ يَا حَفْصَةَ أَمَا سَمِعْتَ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ الْمُعْوَلُ عَلَيْهِ يُعَذَّبُ وَعَوَّلَ عَلَيْهِ صُهَيْبٌ (يقول: و اخاه، و اصحابه) فَقَالَ عُمَرُ يَا صُهَيْبُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْمُعْوَلَ عَلَيْهِ يُعَذَّبُ».

محدثین در روایتی می نویسند:

«إِنَّ الْمَيِّتَ لَيُعَذَّبُ بِبَكَاءِ أَهْلِهِ عَلَيْهِ وَ فِي آخِرِهِ بِمَا نِيحَ عَلَيْهِ» (می گویند زمانیکه امیر المؤمنین حضرت عمر بن خطاب (رض) در داخل مسجد با نیزه زهری ابو لولو زخمی گردید. حفصه؛ دختر عمر؛ جیغ زد و گریان می کرد، حضرت عمر بن خطاب فرمود:

ای حفصه! نشنیده ای که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: هر کسی که برایش واویلا کنند و نوحه بخوانند گرفتار عذاب خواهد شد.

روایان می گویند در حالی که از جسد امیر المؤمنین حضرت عمر فاروق خون در جریان بود: صُهیب ابن سنان بن مالک، ملقب به ابویحیی یکی از صحابی جلیل القدر و تیر اندازان معروف اسلام است، نوحه سر داده بود، و با آواز بلند می گفت: وای برادرم! وای رفیقم! فرمود: ای صُهیب! خبر نداری کسی که برایش، واویلا کنند و نوحه بخوانند دچار عذاب خواهد شد؟

حتی در تعداد کثیری از روایات آمده است که بعضی از گریه های اطرافیان، باعث عذاب میت می گردد.

۶- «الْمَيِّتُ يُعَذَّبُ فِي قَبْرِهِ بِمَا نِيحَ عَلَيْهِ» (همانا میت، به خاطر گریه اطرافیان، عذاب داده می شود. در روایتی دیگر آمده است که: میت به خاطر نوحه های، جیغ و واویلا که برایش می خوانند در قبر عذاب خواهد دید).

۷- «مَنْ نِيحَ عَلَيْهِ يُعَذَّبُ بِمَا نِيحَ عَلَيْهِ» (برای هر کس که نوحه بخوانند، روز قیامت عذاب داده می شود).

حکم احادیث فوق ممنوعیت نوحه خوانی و جیغ هائی که همراه با شیون است، می باشد. ولی گریه کردن و اشک ریختن نورمال در مصیبت هدف نمی باشد.

طوری که در حدیث عمر (رض) نیز به این مطلب اشاره شده بود که، فرمود: «بِبَعْضِ بَكَاءِ أَهْلِهِ» یعنی میت، به خاطر بعضی از گریه های اطرافیان مستحق عذاب می گردد. (نه همه گریه ها). ظاهر احادیث فوق، مشکل به نظر می رسد. زیرا با بعضی از اصول و قواعد ثابت شریعت تعارض دارد و چنان که خداوند می فرماید: (وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ

وَزْرَ أُخْرَى) (الأنعام: ۱۵۴). هیچ گناهکاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد.

علماء در پاسخ اشکال فوق، هشت نظریه مختلف ارائه کرده اند. که صحیح ترین آن ها، دو نظریه زیر است:

۱- نظر جمهور بر این است که این عذاب شامل حال میتی می شود که در زمان حیات خویش، وصیت به نوحه خوانی کرده باشد و یا اطرافیان خود را از این کار، منع نکرده باشد با توجه به این که می دانسته که مردم بر حسب عادت، چنین اعمالی انجام می دهند.

به همین خاطر عبدالله بن مبارک فرمود: اگر کسی در زمان حیات، از نوحه خوانی منع کند، ولی بعد از وفاتش چنین کنند گناهکار نمی‌شود. و نزد این گروه، عذاب در اینجا بمعنی عقاب و پاداش است.

۲- یعنی میت با شنیدن گریه اطرافیان، اندوهگین و ناراحت می‌شود و دلش به حال آن‌ها می‌سوزد. و این حالت در حیات برزخی اتفاق می‌افتد نه روز قیامت. و این، مذهب ابن جریر طبری و تعدادی دیگر است.

آن‌ها می‌گویند:

منظور این نیست که خداوند با گریه اطرافیان، میت را کیفر می‌دهد. زیرا عذاب، عام‌تر از عقاب است. چنانچه در حدیث آمده است که «السفر قطعته من العذاب» یعنی سفر پاره‌ای از عذاب است. و این عذاب در واقع مجازاتی بر گناه نیست، بلکه تحمل نوعی سختی و دشواری است.

۸- نعمان بن بشیر می‌گوید:

«أُعْمِيَ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ رَوَاحَةَ فَجَعَلَتْ أُخْتُهُ عَمْرَةَ تَبْكِي وَابْنَةُ جَبَلَةَ وَكَذَا وَكَذَا تَعَدُّ عَلَيْهِ فَقَالَ حِينَ أَفَاقَ مَا قُلْتُ شَيْئًا إِلَّا قِيلَ لِي أَنْتَ كَذَلِكُ؟! فَلَمَّا مَاتَ لَمْ تَبْكِي عَلَيْهِ».

ترجمه: عبدالله بن رواحه بیهوش شد، خواهرش؛ عمره؛ شروع به گریه (نوحه خواندن) کرد می‌گفت: ای کوه من! ای فلان من! وقتی برادرش به هوش آمد، گفت: هر چه شما می‌گفتید، (فرشتگان) به من می‌گفتند: تو چنین هستی! تو چنان هستی! راوی می‌گوید: وقتی عبدالله فوت کرد، خواهرش برایش گریه نکرد.

کندن موها :

ابو برده فرزند ابوموسی می‌گوید:

«وَجَعَّ أَبُو مُوسَى وَجَعًا شَدِيدًا فَعُشِيَ عَلَيْهِ وَرَأْسُهُ فِي حَجْرِ امْرَأَةٍ مِنْ أَهْلِهِ فَلَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يَرُدَّ عَلَيْهَا شَيْئًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ أَنَا بَرِيءٌ مِمَّنْ بَرِيءٌ مِنْهُ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ بَرِيءٌ مِنَ الصَّالِقَةِ وَالْحَالِقَةِ وَالشَّاقَّةِ» (ابوموسی بشدت مریض و دچار بیهوشی گردید و سرش روی زانوی یکی از زنان خانواده‌اش نهاده بود. زنی از اهل بیتش با داد و فریاد، شروع به گریه کرد. ابوموسی نتوانست مانع او شود. وقتی به هوش آمد، فرمود: من از کسی که رسول الله از وی اظهار بیزارى نموده، بیزارم. همانا رسول الله از زنی که هنگام مصیبت با صدای بلند، گریه کند یا موهای خود را بکند و یا گریبان چاک نماید، اظهار بیزارى نموده است.

محدثین می‌نویسند که: «عَنْ أَبِي مُوسَى : أَنَّهُ وَجَعًا شَدِيدًا، فَعُشِيَ عَلَيْهِ، وَرَأْسُهُ فِي حَجْرِ امْرَأَةٍ مِنْ أَهْلِهِ فَبَكَتْ، فَلَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يَرُدَّ عَلَيْهَا شَيْئًا، فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ: أَنَا بَرِيءٌ مِمَّنْ بَرِيءٌ مِنْهُ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ بَرِيءٌ مِنَ الصَّالِقَةِ وَالْحَالِقَةِ وَالشَّاقَّةِ» (بخاری: ۱۲۹۶)

(از ابوموسی روایت است که او مریض شد. و از شدت مریضی، بیهوش گشت در حالی که سرش، روی زانوی همسرش، قرار داشت و همسرش با صدای بلند، گریه می‌کرد. ابوموسی نتوانست مانع گریه او شود، اما هنگامی که به هوش آمد، گفت: من بیزارم از کسانی که رسول الله صلی الله علیه وسلم از آنها، اظهار بیزارى کرده است.)

همچنان در حدیثی دیگری که آنر بی بی عایشه روایت فرموده آمده است: «لَمَّا جَاءَ النَّبِيَّ قَتْلَ ابْنِ حَارِثَةَ وَجَعْفَرِ وَابْنِ رَوَاحَةَ، جَلَسَ يَعْرِفُ فِيهِ الْحُزْنَ، وَأَنَا أَنْظُرُ مِنْ صَانِرِ الْبَابِ - شَقَّ الْبَابِ - فَأَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ: إِنَّ نِسَاءَ جَعْفَرٍ، وَذَكَرَ بَكَاءَهُنَّ، فَأَمَرَهُ أَنْ يَنْهَاهُنَّ، فَذَهَبَ، ثُمَّ أَتَاهُ الثَّانِيَةَ، فَأَخْبَرَهُ: أَنَّهُنَّ لَمْ يَطْعَنَهُ، فَقَالَ: «أَنْهَهُنَّ». فَأَتَاهُ الثَّلَاثَةَ، قَالَ: وَاللَّهِ لَقَدْ عَلَبْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَرَعَمَتْ أَنَّهُ قَالَ: «فَاخْتُ فِي أَفْوَاهِهِنَّ الثَّرَابَ» (بخاری: ۱۲۹۹)

«عایشه (رض) می‌فرماید: هنگامی که خبر شهادت زید بن حارثه، جعفر بن ابی طالب و عبدالله بن رواحه به رسول الله صلی الله علیه وسلم رسید، ایشان (در مسجد) نشست و آثار غم و اندوه، از چهره‌اش، نمایان بود. عایشه می‌گوید: من از شکاف در، نگاه می‌کردم. شخصی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و از گریه و فغان زنهای خانه جعفر، خبر داد. رسول الله صلی الله علیه وسلم به او امر کرد تا آنها را از گریستن، باز دارد. آن شخص، رفت. اما دیری نگذشت که دوباره آمد و گفت: آنان به حرف من گوش نمی‌کنند. رسول الله بار دیگر، فرمود: «آنان را منع کن». آن شخص رفت و بار سوم برگشت و گفت: ای رسول خدا! آنان بر ما غلبه کردند. رسول الله فرمود: «در دهانشان خاک بریز»... (یعنی به هر صورت که شده است آنان را از این کار، باز دار. فتح الباری).

همچنان در حدیثی از ام سلمه رضی الله عنها روایت شده که گفته است: از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می‌فرمود: «هر مؤمنی که دچار مصیبتی بشود و بگوید: ما از آن خداوندیم و به سوی او باز خواهیم گشت، خداوند برای تحمل این مصیبت مرا در حمایت خویش قرار بده و بهتر از آن را برایم جبران کن. خداوند برای آن مصیبت اجر و پاداش (زیادی را) نصیبش می‌گرداند و بهتر از آن را برای او جبران می‌کند».(مسلم)

پرت و پریشان کردن موها:

یکی از زنان که با رسول الله صلی الله علیه وسلم بیعت کرده بود، می‌گوید:

«كَانَ فِيمَا أَخَذَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ فِي الْمَعْرُوفِ الَّذِي أَخَذَ عَلَيْنَا أَنْ لَا نَعْصِيَهُ فِيهِ أَنْ لَا نَحْمَسَ وَجْهًا وَلَا نَدْعُو وَيْلًا وَلَا نَشُقَّ جَبِيًّا وَأَنْ لَا نَنْشُرَ شَعْرًا».(از جمله مواردی که رسول الله صلی الله علیه وسلم از ما بیعت گرفت، این بود که در انجام کارهای خیر، از وی نافرمانی نکنیم، گریه و واویلا سر ندهیم، صورت خود را زخمی نکنیم، گریبان چاک ندهیم و موهای خود را نیز پراکنده نسازیم.

همچنان بعضی از مردان، به خاطر مرگ نزدیکان و خویشاوندان خود، برای نشان دادن تأثرات خود و به عنوان این که به اصطلاح عزا دار هستم، برای مدتی ریش خود را نمی تراشد و بعد از مدت کوتاهی، شروع به تراشیدن ریش می‌کنند، این کار نیز همانند پریشان ساختن مو است که از نظر شرع بدعت می‌باشد.

و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هر بدعت موجب گمراهی، و هر گمراهی موجب رفتن به دوزخ است.

حمل جنازه از وظایف مردان است:

شرع اسلامی وظیفه حمل جنازه میت را بر دوش مردان گذاشته و زنان را از آن معاف کرده است: در حدیثی که از ابو سعید خدری روایت گردید ه، آمده است:

«عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ : أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: «إِذَا وُضِعَتِ الْجِنَازَةُ، وَاحْتَمَلَهَا الرَّجَالُ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ، فَإِنْ كَانَتْ صَالِحَةً قَالَتْ: قَدَّمُونِي، وَإِنْ كَانَتْ غَيْرَ صَالِحَةٍ قَالَتْ: يَا وَيْلَهَا أَيْنَ يَذْهَبُونَ بِهَا، يَسْمَعُ صَوْتَهَا كُلُّ شَيْءٍ إِلَّا الْإِنْسَانَ، وَلَوْ سَمِعَهُ صَعِقَ».(بخاری: ۱۳۱۴)

(ابوسعید خدری (رض) می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «هنگامی که جنازه آماده می‌شود و مردان آن را بر روی شانه‌هایشان می‌گذارند، اگر شخص نیکی باشد، می‌گوید: مرا زودتر ببرید. اگر شخص ناصالحی باشد، به فغان و ناله در می‌آید و می‌گوید: وای بر من، مرا کجا می‌برید؟ این آه و فغانش را به جز انسان، هر چیز دیگر می‌شنود. و اگر انسانها آن را بشنوند، بیهوش می‌افتند» . پایان

فهرست :

- مقدمه
- هدف نماز جنازه
- قیام شروط نماز جنازه
- ترتیب نماز جنازه
- تعزیه و همدردی
- آداب تعزیت
- تعزیت بعد از سپری شدن سه روز
- تهیه غذا
- الفاظ تسلیت و تعزیه
- الفاظ جوابیه دعاء
- زن در مراسم تعزیه
- زن و تشییع جنازه:
- سوگواری شرعی زنان
- اعمال حرام و نامشروع در مراسم تعزیه
- چیغ و اوایلا بر جنازه است
- پرت و پریشان کردن موها
- حمل جنازه از وظایف مردان است

زن در مراسم تعزیه

تتبع، نگارش و نوشته از:

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »